

مشکل بازگرداندن متون ترجمه شده به زبان اصلی

کریم امامی

موضوع کارگاه امروز ما مسأله ترجمه دوباره مطلب یا مطالبی است به فارسی که در اصل از فارسی به انگلیسی ترجمه شده باشند. اولین توصیه همه کارشناسان این است که چنین متونی را ترجمه نکنید؛ اصل آنها را بیابید. چون در این نقل و انتقال اگر مفهوم هم سالم بماند لفظ به ناچار لطمه خواهد دید.
در آغاز سه نمونه زیر را ملاحظه و باهم مقایسه کنید.

○ نمونه الف (اصل فارسی):

... امروز حسن ارسنجانی وزیر سابق کشاورزی مرحوم شد. کارا کتر عجیبی بود. خیلی مرد قوی و پرحرارت و پرکار، و بعلاوه فهمیده و عالم بود. در کابینه قوام السلطنه، با آن که بیست و چند سال بیشتر نداشت، معاون نخست وزیر شد. در کابینه امینی به وزارت کشاورزی رسید، و من هم او را در کابینه خود به همین سمت نگاه داشتم. چون اصلاحات ارضی را شروع کرده بود و ممکن نبود او را عوض کرد. بعلاوه خودم هم با او دوست بودم و دوستش داشتم. خدا رحمت کند، فوق العاده مرد کاردان و درکار خود بی رحم بود. اهل مطالعه و تئوریسین حسابی بود. تنها عیب بزرگ او این بود که فکر می کرد هر چه خودش می گوید درست، و هر چه برای خود او خوب است و دیگر هیچ! با وصف این محسنات او برای کشور خیلی بیشتر از معایب او بود. در آخر دولت من چون زیاد لگد می انداخت و به دولت بی اعتنایی می کرد (به خیال این که قهرمان اصلاحات ارضی است)، او را خارج کرده برای سفارت به رم فرستادم. البته بر حسب امر شاهنشاه ...

(یادداشت‌های علم از ۱۳۴۷/۱۱/۲۴ تا ۱۳۴۸/۱۲/۲۹. تهران)

انتشارات کتاب سرا، ج ۲: ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۲۰ و ۲۲۱.

○ نمونه ب (ترجمه ملخص انگلیسی):

The death has been announced of Hassan Arsanjani, former Minister of Agriculture, powerful, dogged and well-informed. In his twenties he was appointed assistant to the then Prime Minister Qavam. Amini promoted him to the Ministry of Agriculture where he remained on my appointment as Prime Minister. He had already embarked on land

reform and I would brook no changes whilst the scheme was under way. Besides which he was a personal friend. His only weakness was a burning conviction that whatever he said was automatically correct and that whatever suited him must be good for others. For the most part his qualities as a public servant far outweighed his defects. But towards the end he came to see himself as the hero of land reform and created problems by his intransigence towards official policy. HIM instructed me to sack him but then appointed him ambassador to Rome...

(The Shah and I: The Confidential Diary of Iran's Royal Court, 1969-1977.

Asadollah Alam. Introduced and Edited by Alinaghi Alikhani. London: I.B. Tauris & Co., 1991, p. 72)

○ نمونه ج (ترجمه دوباره به فارسی):

یکشنبه ۱۱ خرداد

خبر درگذشت حسن ارسنجانی وزیر سابق کشاورزی اعلام شد. او فردی با قدرت، سرسخت و مطلع بود. در سنین بیست سالگی دستیار قوام نخست وزیر بود. امینی او را به مقام وزارت کشاورزی ارتقاء داد. من نیز وقتی نخست وزیر بودم او را در این سمت ابقا کردم. او قبلاً برنامه اصلاحات ارضی را شروع کرده بود و درحالی که این طرح در دست اجرا بود، به هیچ گونه جرح و تعدیلی در آن تن نمی داد. علاوه بر همه اینها او دوست صمیمی من بود. تنها نقطه ضعف او این بود که اعتقاد داشت هرچه می گوید صحیح است و هرچه برای خودش مناسب است برای دیگران هم باید خوب باشد. تا مدتی محسنات او به عنوان یک خدمتگزار مردم بر معایش می چربید. ولی در این اواخر خودش را قهرمان اصلاحات ارضی می پنداشت و به علت مخالفت با سیاست رسمی دولت مسائلی ایجاد کرده بود. شاه دستور برکناری او را صادر کرد ولی بعد او را به سفارت رم فرستاد...

(گفتگوهای من با شاه: خاطرات محرمانه امیراسدالله علم. ترجمه زیر نظر عبدالرضا

هوشنگ مهدوی. ۲ ج. تهران، انتشارات طرح نو، ۶، ۱۳۷۳. ج ۱، ص ۱۰۷)

خب، از این مقایسه و مخصوصاً مقایسه نمونه (ج) با نمونه (الف) حتماً باید بر شما روشن شده باشد متنی که به فارسی بازگردانده شود اغلب از اصل خود چقدر دور می افتد. چگونه امکان داشته است مترجم نمونه (ج) تنها با استفاده از نمونه (ب) متنی مشابه نمونه (الف) در بیاورد؟ غیرممکن است مگر این که مترجم علم غیب هم داشته باشد، چون متن انگلیسی ترجمه واژه به واژه هم نیست و کوتاه تر از اصل فارسی هست.

این نمونه ها را از کتابی نقل کردیم حاوی یادداشت های روزانه دولتمرد رژیم پیشین که اصل آنها سالها در گاو صندوق بانکی در سویس به امانت گذاشته شده بود. در سالهای اخیر خانواده آن مرد به فکر انتشار آنها افتادند و در وهله اول ترجمه ملخصی از لبّ مطالب به انگلیسی تهیه و منتشر شد و بعد شروع به طبع و نشر اصل یادداشت ها کردند. در ایران، یکی از ناشران علاقه مند به تاریخ معاصر با علم به این که ناشر دیگری قصد انتشار اصل فارسی یادداشت ها را دارد، برآن شد تا با سرعت هرچه تمام تر ترجمه ای از مجلد انگلیسی فراهم آورد و آن را قبل از

انتشار اصل فارسی کتاب به بازار برساند. باتوجه به شتابی که در کار بود چند مترجم با تجربه بسیج شدند تا برگردان مطالب را به فارسی زیر نظر دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی، دیپلمات پیشین و مترجم پُرکار کنونی، برعهده بگیرند.

ممکن است پیرسید اصولاً چرا ناشر اصرار داشت چنین کتابی را که چشم انداز فروش درازمدت آن هم نامعلوم بود منتشر کند، چون پس از انتشار اصل یادداشت‌ها به فارسی این متن بازسازی شده منسوخ می‌شد؟ پاسخ روشن است: برای این که خریداران بالقوه برای چنین کتابی فراوان بودند و کتاب اگر به موقع انتشار می‌یافت حتماً در کوتاه‌زمانی پُر فروش می‌شد و به تجدید چاپ‌های مکرر می‌رسید. و در عمل همین‌طور هم شده است، مخصوصاً چون ناشر اصل یادداشت‌ها در ایران موفق به انتشار بیشتر از یک مجلد از مجموعه چندجلدی نشده. در چنین مواردی، وقتی مترجمی ناچار است متن ترجمه شده‌ای را به زبان اصلی برگرداند و به اصل آن متن هم دسترسی ندارد توجه به چند نکته ضروری است:

- بازسازی زبان خاصی که مؤلف در اصل به کار برده. اگر متن اصلی در دسترس نیست، متونی مشابه متن اصلی، متعلق به همان دوره و نوشته اشخاصی همسنگ مؤلف، حتماً می‌تواند در دسترس باشد. در ویرایش ترجمه کتابی مربوط به جنبش تحریم تنباکو، که نویسنده این سطور به نحوی در جریان کار قرار داشت، یکی از مسائل مشکل اعلامیه‌های اصناف و انجمن‌های محلی بود که مؤلف آنها را از روی ترجمه انگلیسی انجام شده به دست مترجمان سفارت انگلیس در تهران نقل کرده بود. مترجم کتاب این اعلامیه‌ها را به زبان فارسی امروز برگردانده بود و ویراستار استفاده از چنین زبانی را برای این اعلامیه‌ها مناسب نمی‌دانست. سرانجام، چون به اصل این اعلامیه‌ها در مجموعه‌های اسناد کهن دسترسی حاصل نشد، ویراستار زبان اعلامیه‌ها را کهنه‌نما و قاجاری ساخت تا به اصل خود نزدیک‌تر شوند.

- آگاهی از رویدادها و اشخاص و القاب، هم برای پرهیز از خطاکاری و هم برای دادن توضیحات اضافی. خطاب درباری در این متن می‌توانست یکی از مشکلات ترجمه باشد، جز این که سر مترجم باتوجه به حال و هوای سیاسی امروز تصمیم گرفت همه این القاب را ساده کند. بنابراین همه «اعلیحضرت»ها شدند «شاه»، همه «فرمودند»ها شدند «گفت» و همه «شرفیابی»ها شدند «ملاقات».

- در چنین مواردی، اگر وقت کافی در اختیار مترجم باشد، البته می‌توان جستجو برای یافتن متن اصلی و خودداری از ترجمه دوباره را طولانی کرد، ولی فرصت همیشه نامحدود نیست. بنابراین مترجم قابل کسی است که قادر است کار خود را، با همه مشکلات آن در یک محدوده زمانی مشخص، انجام دهد.

- تذکر مترجم در متن یا حاشیه که متن مورد بحث اصل فارسی نیست بلکه دوباره به فارسی برگردانده شده یک امر الزامی است.

به پایان کارگاه امروز رسیده‌ایم. می‌خواستم چند نکته‌ای را هم در ارتباط با نمونه‌ها متذکر شوم، فرصت نشد. در نمونه (ج) یک مورد کوچک اشتباه در ترجمه هم وجود دارد. آیا آن را می‌توانید پیدا کنید؟ □